

و فتح آن محال باشد و سلف همیشه آنکس را در چنین مسائل کرده اند و چون ابو نواس در مجلس هرون الرشید این بیت گفت  
فان یکره یاتی سحر فوعون فیکم فان عصا عوی بدی حسیب  
هرون گفت ای بد اصل استر انحصار عوی میانی و در آن  
او را از میان لشکر برون کرد و منگروی شد ففلسنت  
شخصی دیگر بر آنه فتقریش میگرد جواب داد که هر اسز نش  
به فریختی و حال آنکه پیغمبر صلی الله علیه و سلم کوسند هر اینها  
بود امام مایل گفت این سخن درین مقام مناسب نیست و او را  
تا دیب باید کرد و عمر عبد العزیز طلب نویسنده کرد که ببرد  
او را زخم بود و کاتبی که داشت گفت بدر رسول صلی الله  
علیه و سلم کافر بود عمر گفت این را مقبل ساخته و او را عزول  
کردند و گفت من بعد از هر من گمانه بلن و بعضی از جنه در آن  
کراهت دانسته اند که در حاله تعجب صاوات بر پیغمبر صلی الله  
علیه و سلم فرستند مگر در توفیر و تعظیم آن حضرت باشد  
ففلسنت جوانی صالح بنک نام بود طبع بعضی گفت و او  
جواب داد که خاخوش باشم تا تو را تی او گفت پیغمبر صلی الله علیه  
و سلم تنزاتی بود و این سخن متنشر شد و او را طهر کردند و آن  
جوان کیشمانی شد و توبه و استغفار بسیار کرد تا خلاص یافت  
و اما هر کس بر طریق روایتی چنین سخنها نقل از دیگران کند احتیاط

گفتند که تفرق او را چه وضع داشتند اگر بر طریق شهادت میگویند  
این را تعریف میکنند و در آنکه و سفیر از آن می گویند یا هر  
جلسی یا کمتری بر طریق رد و نقض بر قایل آن گویند یا نویسد  
و ذنوی بر تمبغی آن در آنکس محمود باشد و گویند اصل آنکه  
از اهل علم باشد علم بروی نخواهد و خلاف آن را از وی تغییر  
گند و هر کس از اینها بشنود باید آنکس را بیان کند و فساد  
قول او کند و شنوندگان کوای و چند تا حضرت او را زبانه نامان  
دفع کنند تا رعایه حق سید المرسلین شود باشد و اگر آنکس  
و اعطی یا معطی صبیان باشد و بادی میخان کنند تا خلافت از  
شر باطن وی این شوند جا دا سخن او در دنیا و اخلاقی او کند  
و تأکید درین ابواب هر چند تا منز کردن از او چنانست تا حاجی  
شرعیه مصون ماند و اگر آنکس از عوام الناس باشد همچنین  
بحق حضرت رساله صلی الله علیه و سلم قیام نمودن و جایزه عرض  
آوردن و وضع اذیت از وی در حاله صیوات و اوقات بر سر مؤمنان  
واجبست و کین از سلطان وقت یا ذمه شولت او را ندادن  
گند از دیگران ساقط شود اما باید که در هر چیزی از این قسم ساج  
باشند و سلف اجماع بر بیان حال ایبه به حدیث کرده اند  
تا بر این قسم هر رسد و از آن ناقل متهم باشد یا بر مثال آنها  
هر یس بود یا در استخفاف و عیب حضرت رساله صلی الله علیه